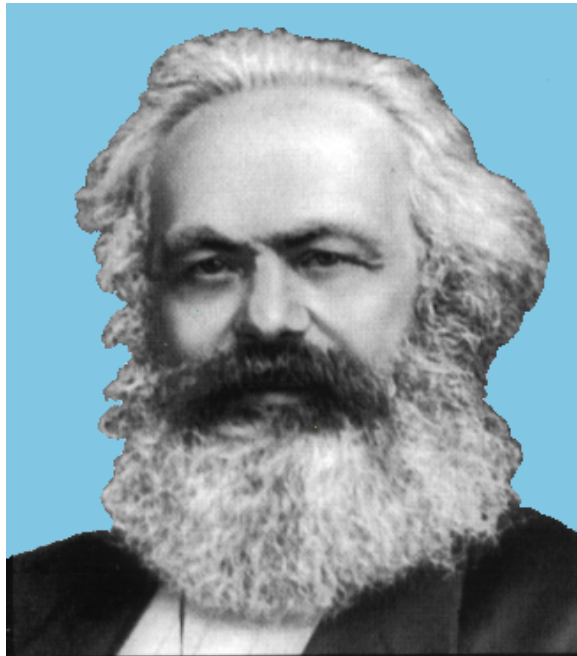


# تئوری شناخت از نظر مارکس



مترجم: ب. کیوان

مارکس نه یک اقتصاد دان عصر ما شین بخار است و نه یک علم گرای منسوخ در عصر "بفرفنجی ها" است، بلکه او بدرستی یک فیلسوف و از بزرگترین فیلسوف هاست.

تصدیق متناقضی در باره این اندیشمند وجود دارد؛ اغلب می گویند که او کوشیده است به فلسفه پایان دهد که البته این ادعا درست نیست. فراسوی مارکسیسمی که مارکس خود از پیش آنرا رد کرده است، دنیس کولن نشان می دهد که کار تئوریک او تکیه روی سنت غنی فلسفی - اغلب ناشناخته یا کم شناخته - است که برای ساختن علم، چیز جدید و بی سابقه ای نیست، بلکه برای پرداختن به نقد منظم از توهم های عین گرایانه است. البته، مارکس از جمله ناچیز شما رندگان مدرن اندیشه علمی نیست؛ او علم را با جدیت در نظر می گرفت و به نیاز روی نتیجه های آن تکیه کرده است و همزمان محدودیت های چاره ناپذیر آنرا نشان می دهد.

دنیس کولن با تحلیل گام به گام خط سیر مارکس، مسئله رابطه ها میان ذهنیت فردی و ساخت دانشی را در مرکز تحلیل مارکس قرار می دهد که به کارهای بشری به مثابه روند عینی می اندیشد. مسئله شناخت مبتی بر این رابطه میان زندگی ذهنی افراد و عینیت توصیف های علمی یا ایدئولوژیک است. مسئله از خود بینکانگی و تبذیل قدرت ذهنی کارگر به قدرت عینیتی سرمایه نه در برخی متن های دوره جوانی مارکس بلکه در اثر بزرگ کاپیتال وجود دارد. داوری های این تحلیل ها برای عصر ما، در نفس خود در زمانی به نمایش در می آیند که "عطش مقدس به طلا" بیش از هر وقت قانون خود را زیر پوشش اقتصاد گرایی فاتح تحمیل می کند.

دنیس کولن در سال ۱۹۵۲ در فرانسه متولد شد. او استاد فلسفه و دارای درجه دکترا در فلسفه است.

# تئوری شناخت از نظر مارکس

پدید آور: دنیس کولن  
مترجم: ب. کیوان

چاپ اول: ۱۳۸۱  
برلین